

گزیده آثار
جلد دوم

ویلہلم دیلتای به فهم در آوردن جهان انسانی

ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی



Dilthey, Wilhelm

سرشناسه: دیلتای، ویلهلم، ۱۸۳۳ - ۱۹۱۱ م.
عنوان و نام پدیدآور: به فهم درآوردن جهان انسانی / دیلتای؛ ترجمه منوچهر
صانمی دره‌بیدی.

مشخصات نشر: تهران: ففئوس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.

فروست: گزیده آثار؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۴۵-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Understanding the human world, 2010.

موضوع: علوم اجتماعی

موضوع: روان‌شناسی

موضوع: علوم انسانی

موضوع: روش‌شناسی

موضوع: هرمنوتیک

شناسه افزوده: صانمی دره‌بیدی، منوچهر، ۱۳۲۵ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۲ ب ۹ د / B۳۲۱۶

رده‌بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۲۳۱۹۰۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Understanding the Human World

Wilhelm Dilthey

Princeton University Press, 2010



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زانداهرمزی،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰۸۶۴۰۶۶

ویلهلم دیلتای

به فهم درآوردن جهان انسانی

ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۲

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۰۴۵ - ۴

ISBN: 978 - 600 - 278 - 045 - 4

www.golestanbooks.ir

Printed in Iran

۲۸۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۳	پیشگفتار بر کل مجلدات
۱۷	یادداشت ویراستاران بر جلد دوم
۱۹	مقدمه بر جلد دوم

به فهم درآوردن جهان انسانی

۴۳	۱. دستنویس دیلتای برای یک مقدمه (۱۹۱۱) برگردان: رودلف ای. مکریل و پاتریشیا وان توپل
۴۹	۲. سخنرانی افتتاحیه در آکادمی پروس (۱۸۸۷) برگردان: پاتریشیا وان توپل
۵۳	۳. منشأ باور ما به واقعیت جهان خارج و توجیه آن (۱۸۹۰) برگردان: ماکسیمیلیان آوئه
۱۲۵	۴. زندگی و شناخت: پیش‌نویسی برای منطق شناخت و نظریه مقولات (حدود ۱۸۹۲-۱۸۹۳) برگردان: رودلف ای. مکریل و یاکوب اوئینسبای

۵. اندیشه‌هایی برای روان‌شناسی توصیفی و تحلیلی (۱۸۹۴) ۲۰۹

برگردان: رودلف ای. مکریل و دانلد مور

ع. [در باب روان‌شناسی تطبیقی] مساهمت‌هایی در مطالعه فردیت

(۱۸۹۵-۱۸۹۶) ۳۵۱

برگردان: ارتمان و نیک

نمایه اشخاص ۴۶۱

نمایه موضوعی ۴۶۷

مقدمه مترجم

دفتری که در پیش رو دارید ترجمه جلد دوم از گزیده شش جلدی مجموع آثار دیلتای است که مجلدات اول و سوم و چهارم آن توسط انتشارات ققنوس چاپ و منتشر شده است و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. در جای خود از دلیل به تأخیر افتادن ترجمه جلد دوم یعنی همین مجلد سخن گفته‌ام. به همت انتشارات ققنوس مشکل تهیه کتاب برطرف شد و من که ترجمه جلد پنجم را آغاز کرده بودم آن را رها و ترجمه این مجلد را آغاز کردم و به انجام رساندم. به امید آن‌که فرصت اتمام جلد پنجم و ترجمه جلد ششم نیز فراهم شود.

ویراستاران گزیده آثار دیلتای عنوان این مجلد را به فهم درآوردن جهان انسانی^۱ نهاده‌اند و مضمون و محتوای آن روان‌شناسی ادراک است. موضوع سخن دیلتای در این مجلد این است که ضمن بررسی تاریخی عناصر شکل‌گیری مفاهیم علوم انسانی در متن علوم طبیعی، نحوه شکل‌گیری این مفاهیم را در ذهن و شیوه تدوین آن‌ها را شرح دهد. دانش روان‌شناسی در فرایند این تدوین مداخلیت تام دارد و دیلتای به نحله‌های روان‌شناسی مشغول به تدوین این مفاهیم پرداخته است. این نحله‌ها دو حوزه روان‌شناسی تبیینی و توصیفی‌اند که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

پیش از هر چیز و در اوایل کتاب، ديلتای به شرح مقولات زندگی پرداخته است، مقولاتی که در دیگر مجلدات این مجموعه نیز به آن‌ها اشاره کرده است. از میان این مقولات به شرح و بسط سه مقوله وحدت ذات، کنش و تحمل، و ذات (ذاتیت) پرداخته است:

۱. وحدت ذات، حافظ هویت ذاتی هر فرد بشری در طول زندگی اوست.
۲. کنش و تحمل، پایه و اساس مقوله علیت است.
۳. ذات، حافظ تمایز من و جز من است.

سپس ديلتای دو مکتب روان‌شناسی در زمان خود را شرح و بسط داده است:

۱. روان‌شناسی تبیینی (explanative) که گاهی آن را روان‌شناسی ساختاری یا سازنده (constructive) می‌نامید.
۲. روان‌شناسی توصیفی (descriptive) که گاهی آن را روان‌شناسی تحلیلی نامیده است.

ديلتای روان‌شناسی تبیینی را در بیان احوال ادراکی نفس ناموفق می‌داند و از این رو این مسئولیت را به عهده روان‌شناسی توصیفی گذارده و بر توان و صلاحیت آن در شناخت ماهیت ادراک صحنه نهاده است. روان‌شناسی تبیینی در دو قرن هفدهم و هجدهم که دوره گذار عقل از دیدگاه سنتی فرهنگ به دیدگاه جدید یا مدرن است رونق گرفته و ماهیت عملکرد آن متناسب با این مقطع تاریخی است؛ دوره‌ای که الگوی پژوهش علمی، شیوه روش و منطق علوم طبیعی بود. عصری که با گالیله و بیکن آغاز شد و با دستاوردهای لاوزیه در شیمی به کمال رسید و نقطه اوج آن فیزیک نیوتن بود و می‌توان آن را عصر نیوتن نامید. دانش روان‌شناسی در این دوره به صورت یکی از شاخه‌های علوم طبیعی و وابسته به این علوم تدوین شد و ساختار آن تبیینی بود، به این معنی که در این دانش با فرض چند مفهوم بنیادی برگرفته از علوم

طبیعی (زیست‌شناسی و تنکارشناسی) می‌توان سایر مفاهیم و مقولات آن را استنتاج کرد (ص ۲۱۰). روان‌شناسی‌های هابز، دکارت، اسپینوزا، لایبنیتس، لاک و هیوم از این نوع است. مثلاً دکارت شش عاطفه اصلی به نام میل، نفرت، عشق، محبت (شگفتی)، لذت و درد (الم) را تعریف کرد و به استخراج سایر عواطف نفس به عنوان عواطف فرعی از این عواطف شش‌گانه پرداخت. اما دیلتای به جای استفاده از این روان‌شناسی، روان‌شناسی توصیفی-تحلیلی را توصیه می‌کند. روان‌شناسی‌ای که هر عاطفه‌ای را مستقلاً و بدون اتکا به علوم طبیعی تا اعمال آن در جان انسان پیگیری می‌کند (ص ۲۲۷).

ماهیت شناخت بر پایه روان‌شناسی توصیفی این‌گونه تبیین می‌شود که جهان خارج مستقیماً به ما داده نشده و وارد ذهن ما نشده است بلکه نتیجه بازتاب امر واقع خارجی در ذهن ما است. در شکل‌گیری جهان خارج در ذهن ما به صورتی که ما آن را ادراک می‌کنیم، اموری از قبیل تصورات (بازنمایی‌ها)، حساسیت‌ها، غریزه‌ها، امیال و امور ارادی در کار است. اما این ادراکات حاصل انتزاع و کلی‌سازی نیست بلکه ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم. زندگی در وجود انسان مقدم بر شناخت است و فرایندهای زیستی (تنفس، تغذیه و...) در وجود ما مقدم بر فرایندهای شناختی (تعقل، استدلال و...) است. ماهیت حقیقی شناخت این است که ما جهان خارج را می‌شناسیم به این معنی که در آن و با آن زندگی می‌کنیم. اگرستانس ما (شرایط زیستی ما) از جهان پیرامون ما به دشواری قابل تفکیک و قابل تشخیص است.

فرایندهای روانی با فرایندهای عصبی (مربوط به مغز و اعصاب) همبسته است و ارائه نظریه‌ای روشن و درست در مورد ساخت و کار ادراک مستلزم شناخت علمی نظام عصبی، کارکرد مغز و اعصاب و ترشحات غدد و... است. دیلتای در جریان شناخت این رابطه، به کشف و طرح مقوله‌ای دوتایی (جفتی) پرداخته و کارکرد آن را شرح داده است: مقوله انگیزش و مقاومت. این مقوله منشأ درک بسیاری از مفاهیم است. وقتی من برای رفع گرسنگی

لقمه نانی را در دهان می‌گذارم، از یک طرف عمل جویدن برای رفع نیاز گرسنگی و از طرف دیگر مقاومت لقمه در زیر دندان من، متمم و مکمل یکدیگرند. وقتی چیزی را از زمین برمی‌دارم (انگیزه)، فشاری که وزن آن بر دست من وارد می‌کند (مقاومت)، مفهوم یک کنش را مشترکاً برای من می‌سازند. باور به موجودیت واقعی اشیاء و اشخاص در جهان خارج نتیجه فرایندهای عضلانی و بدنی و بازتاب آن‌ها به صورت فرایندهای روانی است. آگاهی ما تابعی است از روابط بدنی ما با جهان خارج.

آگاهی رابطه و نسبیتی است که بین ذات فاعل (سوژه) و متعلق خارجی آن (ابژه) برقرار می‌شود و بدون نسبت‌هایی که از طریق پیوندهای بدنی و جسمانی در قالب زمان و مکان با خارج برقرار می‌شود، ذهن انسان فاقد هر نوع آگاهی است. به این ترتیب چیزی به نام علم ذاتی، علم نظری و... بدون برقراری نسبت‌های تجربی بین ذهن و عالم خارج وجود ندارد. شناخت ماهیه و تماماً حاصل تجربه یعنی برقراری رابطه با جهان خارج است. اما منبع این شناخت تجربی، تصورات انتزاع شده از واقعیت خارجی نیست (چنان‌که جان لاک می‌پنداشت) بلکه برآمده از رفتارهای ما و عملکردهای زیستی ماست. شناخت تابع زندگی است. زندگی خاستگاه اندیشه است و تشخیص و تعیین ماهیت فکر و اندیشه بدون شناخت زندگی (یعنی شرایط زمانی / مکانی زیستی) ممکن نیست. درواقع، این امر، تفسیر آن جنبه از فلسفه دیلتای است که «فلسفه حیات» نامیده شده است.

ماهیت شناخت، به این دلیل که وابسته به زندگی و برآمده از آن است، ماهیتی این‌جهانی است و شناخت به فراتر از زندگی و به آن سوی زندگی تعلق نمی‌گیرد؛ و نیز به همین دلیل ماهیت شناخت امری فردی و مرکب از امور واقع جزئی است؛ از این رو دست عقل از وصول به آن کوتاه است زیرا عقل فقط امور کلی (طبیعی) را درمی‌یابد. شناخت، مجموعه‌ای از امور جزئی است و باید آن را در کارکردهای فیزیولوژیکی بدن تبیین کرد. این سخن برخلاف

فلسفه ارسطویی - مدرسی است که مطابق با آن علم فقط به کلی تعلق می‌گیرد و جزئی «نه کاسب است نه مکتسب».

به باور دیلتای در مورد منشأ و خاستگاه مقولات منطقی که او آن‌ها را مقولات زندگی می‌نامید نه نظر ارسطو صحیح است که مقولات را ساختارهای قاتی مشترک بین عقل و طبیعت می‌دانست و نه نظر لاک که آن‌ها را برآمد و نتیجه تجربه نظری و حاصل انتزاع می‌دانست و نه نظر کانت که آن‌ها را ساخت‌های پیشینی (فطری) عقل معرفی می‌کرد؛ بلکه به عقیده دیلتای نظر صحیح این است که مقولات لوازم زیستی وجود (اگزیستانس) انسانند و ما آن‌ها را به عنوان موجودات زیستی (زنده) تجربه می‌کنیم زیرا انسان پیش از آن‌که مشاهده‌کننده و متفکر باشد، زنده است.

دیلتای در بحث از مقولات می‌گویند مفهوم «همانی» (sameness) را به جای مقوله جوهر بنشانند تا ذات آگاه انسان را یک واقعیت پویا و متحول (لایب‌نیس) معرفی کند؛ ذاتی که بیاید آن بر «زیستن» است و اساس آن پویایی است. دیلتای به همین مناسبت مقوله علیت را به مقوله کنش و تحمل باز می‌گرداند تا با ساختار زیستی انسان متناسب تر باشد.

دیلتای پس از بحث در دو مقوله جوهر و علیت به شرح و بسط مقولات ذات، غایت، ارزش، معنا و مفاد زندگی پرداخته است و بحث او در مورد این مقولات به عنوان مقولات زندگی، بخش کلانی از این کتاب را پر کرده است. دیلتای بین شادی و نشاط از یک طرف و درد و رنج از طرف دیگر به عنوان تجربه‌های اساسی انسان و این مقولات رابطه تنگاتنگی برقرار می‌کند. ماهیت حیات، ترکیبی از شادی و اندوه است (نظری که اولین بار توسط ارسطو بیان شده است) و این احوال منشأ کل شکل‌گیری این مقولات است. در واقعیت امر، مقولات زندگی، در درد و رنج سامان یافته و قالب‌ریزی شده است.

دیلتای در اواخر کتاب به شرح تاریخی شکل‌گیری مقولات زندگی در علوم طبیعی، عمده در دو قرن هفدهم و هجدهم پرداخته است و چگونگی

شکل‌گیری مفهوم نوع یا گونه (type) را در تحقیقات علمای طبیعی و انتقال آن به هنر و علوم انسانی شرح داده است.

در خصوص معادل‌گذاری‌ها اشاره به یک نکته لازم است. من قبلاً در مقدمه‌ای که بر بعضی از ترجمه‌های آثار کانت نوشته‌ام کاستی‌ها و نارسایی‌های بسیاری از معادل‌گذاری‌ها را گوشزد کرده‌ام. در این جا مجال و نیازی به تکرار آن مطالب نیست. در این کتاب ترجمه‌های متداول برخی واژه‌ها (مثلاً شهود در ترجمه intuition) را در پرانتز و آن واژه‌ای را که درست یا درست‌تر دانسته‌ام در متن آورده‌ام. مثلاً در ترجمه واژه transcendental واژه «فراطبیعی» و در پرانتز واژه متداول «استعلایی» را آورده‌ام.

منوچهر صلانعی دژبیدی

تهران

سوم خرداد ۱۳۹۱ خورشیدی

پیشگفتار بر کل مجلدات

این ترجمه شش جلدی از نوشته‌های اصلی دیلتای (۱۸۳۳ - ۱۹۱۱) برای رفع نیازی دیرپای انجام گرفته است. این اقدام متون کاملی را که سرتاسر گستره فلسفه دیلتای را نشان می‌دهند در اختیار خوانندگان انگلیسی‌زبان می‌گذارد. این چاپ چند جلدی از این راه پایه و اساسی نه فقط برای تحقیق در تاریخ و نظریه علوم انسانی، بلکه همچنین برای تحقیق در زمینه درک فلسفی دیلتای از تاریخ، زندگی و جهان‌بینی‌ها فراهم می‌آورد. نوشته‌های اصلی او در روان‌شناسی، زیبایی‌شناسی، اخلاق و تعلیم و تربیت در کنار بعضی رساله‌های تاریخی و نقدهای ادبی او در این مجلدات مندرج است.

در حالی که زبان اسپانیایی، که زودتر از این و عمیقاً تحت تأثیر ارتگای گاس^۱ دیلتای را پذیرا شده و از ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵ ترجمه‌ای هشت جلدی از نوشته‌های او فراهم آورده است، زبان انگلیسی با تأخیر بیش‌تر به دیلتای روی آورده است. کوشش‌های ای. ای. هاجز^۲ برای آشنا کردن خوانندگان انگلیسی‌زبان با دیلتای تنها موفقیت محدودی داشت. ای. پی. ریکمن^۳ بخش‌هایی از نوشته‌های دیلتای را ترجمه کرده است و در مقدمه‌های خود کوشیده است بدگمانی نسبت به فلسفه قاره اروپا را، که مشخصه اولین

1. Ortega y Gasset 2. H. A. Hodges 3. H. P. Rickman

مراحل جنبش فلسفه تحلیلی بود، برطرف کند. در حالی که چند اثر منفرد از دیلتای قبلاً ترجمه شده است، چاپ مجموعه منظمی از آثار او به شکل منسجم‌تری تعبیّرات و اصطلاحات و مفاهیم مهم او را ارائه خواهد کرد.

علاقه روزافزون به تفکر قاره اروپا (هوسرل، هیدگر، سارتر، هرمنوتیک، ساختارگرایی و نظریه انتقادی) فضایی به وجود آورده است که در آن فلسفه دیلتای، که هنوز آن‌طور که باید و شاید شناخته نشده است، می‌تواند جذب شود. همچنان که نظریه‌های متعلق به پدیدارشناسی و هرمنوتیک در مسائل پیچیده‌تر و سهم‌تری به کار می‌رود، به همین نسبت روشن‌تر می‌شود که ریشه‌های قرن نوزدهمی این نظریه‌های فلسفی باید دوباره بررسی شود. این مسئله بخصوص در مورد مباحث راجع به نظریه علوم روحانی^۱ بیش‌تر صدق می‌کند. این نظریه که صورت‌بندی متعارف آن را دیلتای ارائه کرد در زبان انگلیسی به عنوان «مطالعات انسانی»^۲ شناخته شده است تا از آرمان تحصّلی «علم واحد»^۳ متمایز باشد. اکنون عنوان روشن‌تر «علوم انسانی»^۴ اختیار شده است. اما به قیمت غرق شدن در نوعی هرمنوتیک کلی و فلسفه علم دوران بعد از کوهن.^۵ با فرض این وضعیت جدید، تفاوت بین علوم طبیعی و علوم انسانی باید دوباره مورد توجه واقع گردد. اگر تفسیر و دوره مربوط به آن از لوازم ذاتی علوم انسانی و علوم طبیعی هر دو باشند، آن‌گاه باید تعیین کرد که چه نوع تفسیری از لوازم هر کدام است و در چه سطحی.

ترجمه آثار نظری اصلی دیلتای در مورد علوم انسانی نشان خواهد داد که موضع کلی او انعطاف‌پذیرتر از آن است که شناخته شده است. مثلاً تمایزی که بین فهم (verstehen) و تبیین نهاده است به این منظور نبود که تبیین را از علوم انسانی طرد کند بلکه او فقط می‌خواست حوزه آن را محدود کند. علاوه بر این، اهمیت تأمل در باره روش در علوم انسانی باید روشن‌تر می‌شد تا به کمک آن بتوان دریافت‌های نادرست پایدار از فهم به عنوان همدردی یا،

1. Geisteswissenschaften 2. human studies 3. unified science

4. human sciences 5. Kuhn

بدتر از آن، به عنوان نوعی عقل‌گریزی را برطرف کرد. اصطلاح آلمانی Geisteswissenschaften دربرگیرنده علوم انسانی و علوم اجتماعی هر دو است، و نظریه و آثار ديلتای هیچ ثنویت عقیم و عبثی را که ریشه در تقابل فرضی بین هنرها و علوم دارد برنمی‌تابد.

محدودیت‌های انتشار یک دوره شش جلدی از آثار ديلتای اجازه شمول آن را بر بعضی از آثار مهم او به ما نداد؛ رساله‌های تاریخی کامل او از قبیل زندگی شلایرماخر، رساله‌های بزرگی از جهان‌بینی و تحلیل انسان از روزگار رنسانس و اصلاح دین، و تاریخ جوانی هگل. اطمینان داریم که این مجلدات [شش‌گانه] به آن اندازه سبب‌ساز علاقه به اندیشه ديلتای خواهد شد که ترجمه دوباره این آثار و دیگر آثار او را در آینده توجیه کند. [در ادامه نام سازمان‌ها و افرادی که در این ترجمه همکاری داشته‌اند آمده است.]

ترجمه نوشته‌های ديلتای دشوار است. برای این که ترجمه‌ها [ی افراد متفاوت] تا حد ممکن منسجم و هماهنگ باشد، ویراستاران واژه‌نامه جامعی برای مترجمان فراهم آوردند. برای تضمین کیفیت، ترجمه‌ها به دقت ویرایش شده‌اند. ابتدا کمک‌ویراستار، مسائل حل نشده ترجمه‌ها را به کمک واژه‌نامه به دقت بررسی کرده است و اطلاعات لازم را برای ارجاعات مربوط به شرح حال افراد فراهم آورده است. سپس ما هر متنی را مرور کرده‌ایم و هر جا که لازم بوده است تجدیدنظر کرده‌ایم: (۱) برای اطمینان از این که اشارات و معانی تعبیرات و اصطلاحات آلمانی به درستی حفظ شده است و (۲) برای آن که نثر پیچیده و پر از تعقید ديلتای برای خوانندگان انگلیسی‌زبان امروز قابل فهم گردد. [و باز هم نام برخی از کسانی آمده است که کمک‌های آن‌ها در این ترجمه مؤثر بوده است.]

رودلف ای. مکریل

فریتهوف رُدی